



بازار نیروی انسانی در ایران و جهان

## بیماری مزمن قرن - برای جوانان

چشم انداز کاهش بیکاری در کشور مبهم است. شما قضاوت کنید.

بیکاری، یکی از مسایل و مشکلات کشورهای جهان - اعم از توسعه یافته و در حال توسعه - می باشد و به همین لحاظ، در تمام کشورها سعی بر آن است که با رشد امکانات اشتغال، از میزان آن کاسته شود. از سوی دیگر، یکی از علل عمده گسترش فقر میان گروه های مختلف مردم، بیکاری است. برای نشان دادن شدت و گسترش بیکاری در جهان که بیشتر در بین جوانان شایع است، می توان به برخی از آمارها که از سوی سازمان های مختلف بین المللی، از جمله سازمان ملل متحد منتشر می شود، اشاره نمود.

به موجب آمار مذکور، شدت بیکاری میان جوانان بیشتر از سایر اقشار جامعه می باشد که روز به روز نیز افزایش می یابد، به طوری که میزان بیکاران جوان در جهان از ۷۴ میلیون در سال ۱۹۹۶ به ۸۶ میلیون نفر در سال ۲۰۰۶ بالغ گردیده است. این ارقام در عین حال نشان دهنده این موضوع هستند که نزدیک به نیمی از ۱۹۵ میلیون بیکار در جهان جوانان می باشند. در بسیاری از کشورها، جوان برای یافتن کار با مشکلات فراوانی روبه رو هستند. گفتنی است، در سال ۲۰۰۶ نرخ بیکاری جوانان در جهان ۱۳/۶ درصد و نرخ بیکاری میانسالان ۴/۴ درصد بوده است که از مقایسه این دو رقم می توان به تفاوت عظیم بیکاری جوانان دنیا پی برد. مشکل مهمتر،

فقدان اشتغال برای تعداد قابل ملاحظه ای از جوانان است که در سال های اخیر یا وارد بازار کار شده و یا در جست و جوی کار هستند، به ویژه این که در کشورهای در حال توسعه، تعداد جوانان همواره رو به افزایش است و پیش بینی می شود تا سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) به رقم ۱/۲ میلیارد نفر بالغ گردد. بدیهی است، تأمین اشتغال برای چنین رقمی از جوانان در جهت رفع فقر آنان و فراهم نمودن زمینه های بروز لیاقت و شایستگی آنها، مسأله ای دشوار و قابل تأمل است. به هر حال، در کشورهای در حال توسعه که تعداد جوانان، بیشتر و امکان اشتغال، کمتر است باید زمینه های لازم برای بهبود وضعیت بازار کار و حرکت سرعت اشتغال کامل فراهم شود. بدیهی است، همه افراد جامعه - از جمله جوانان و زنان - حق دارند از ظرفیت های بالقوه خود استفاده کرده و با استفاده از درآمدهای حاصل از کار خویش، از دام فقر رهایی یابند.

### بیکاران ایران و عمق مشکلات

وضعیت بیکاری در کشورمان، با ویژگی های خاص همراه بوده و بازار کار دارای شاخصه هایی است که نشان دهنده عمق مشکلات می باشد. شاخصه های اساسی بازار کار در کشور عبارتند از:

در این سرفصل همچنین می خوانید:

۲۷ بیکاری، آفت توسعه اجتماعی - فرهنگی

۲۹ افزایش دستمزد را با بهره وری همراه کنید

۲۹ فشار تورم بر مزد بگیران

۳۰ بیکاران طلبکار

- فاصله زیاد بین نرخ بیکاری زنان و مردان
- بالابودن فاصله نرخ بیکاری جوانان و سایر گروه های سنی
- نقش تحصیلات در نرخ بیکاری مردان و زنان و افزایش سریع نرخ بیکاری جوانان با تحصیلات عالی
- اختلاف در نرخ بیکاری نیروی انسانی شهری و روستایی
- شکاف نرخ بیکاری در استان های مختلف کشور بر اساس آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران (بر اساس سرشماری ملی) و وزارت کار و امور اجتماعی، تعداد کل بیکاران کشور، جمعیتی بیش از سه میلیون نفر را در بر می گیرد که ۷۸ درصد (بالغ بر ۲/۵ میلیون نفر) آنها را جوانان تشکیل می دهند. در واقع، در کشور ما هم مانند دیگر مناطق جهان، تعداد و نرخ بیکاری جوانان بیشتر از سایر اقشار جامعه می باشد. چهل و نه میلیون نفر از جمعیت کشور در سال ۸۴ در سن فعالیت یعنی ۱۵ تا ۶۴ ساله بوده اند و این رقم ۷۰ درصد جمعیت کشور می باشد. در سال ۸۳ نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله معادل ۲۵/۸ درصد بوده است و طبق اهداف برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، این رقم در پایان برنامه چهارم توسعه یعنی (سال ۸۸) باید به ۱۲/۶ درصد بالغ گردد. ولی نکته قابل توجه این که در آغاز سال ۸۷ که تنها یکسال به پایان برنامه چهارم مانده است، نرخ بیکاری از رقم پیش بینی شده بیشتر است.

مجله اکونومیست، در تازه ترین گزارش خود، نرخ بیکاری ایران را در سال ۸۴ برابر با ۱۱/۶ درصد برآورد کرده و معتقد است که نرخ رشد بیکاری در آینده فزاینده خواهد بود و در سال ۸۸ (پایان برنامه چهارم) به ۱۵/۵ درصد خواهد رسید. آمارها نشان می دهند که در ایران باید سالانه یک میلیون فرصت شغلی ایجاد شود

در مواقع بیکاری، تعدادی از کارگرانی که به مدت طولانی در جست‌وجوی کار هستند، سرانجام از یافتن کار مایوس و از مجموعه نیروی کار کشور، خارج می‌شوند. متأسفانه این گروه در نیروی کار محاسبه نشده و لذا بیکاری کمتر از آنچه هست محاسبه و اعلام می‌شود.

### ج) چند شغلی شدن

افرادی که در بازار کار به فعالیت مشغولند، بسیاری از اوقات، با «اضافه کار» در صورتی که کارفرما رضایت داشته باشد، به میزان درآمد خود اضافه می‌کنند که گاهی فشار شدیدی را بر آنها متحمل می‌شود. ولی در مواقع رکود تورمی، کارفرما نیازی به اضافه کار کارگران پیدا نمی‌کند. از سوی دیگر، این و سایر افراد به پدیده «چند - شغلی» سوق داده می‌شوند که این عمل در ادبیات اقتصاد نیروی انسانی، به «شب کاری» (Moonlighting) موسوم است. مطالعات آماری نشان می‌دهند که چند شغلی‌ها - که گاه تا چندین درصد شاغلین را شامل می‌شوند - غالباً مردانی هستند که قدرت خرید حق الزحمه کار اول آنها پایین است یا تکافوی حفظ استاندارد زندگی آنها را نمی‌کند. معمولاً معلمان و افراد نیروی انتظامی، در این گروه جای می‌گیرند.

### د) رانت طلبی و رشوه خواری

این عمل زشت که در کشورمان در همه سطوح رواج دارد، به نوعی «الگوی رقابتی» تبدیل می‌شود که خود شالوده بازار کار را به هم می‌پاشد. به علاوه و در حاشیه ممکن است به علت عدم تکافوی درآمد در تأمین نیازهای خانوار، در بازار کار نیز بیشتر رواج یابد که خود موجب «فساد اداری» و خدشه دار کردن فرهنگ کار و ارزش‌های والای انسانی می‌شود.

### ه) تخریب سلسله مراتب

به علت فقدان رابطه مستقیم میان یک سیستم انگیزشی (Merit System) و درآمدهای موجود، تابعیت از مدیران و رؤسا به تدریج کاهش می‌یابد که



شامل موارد زیر می‌باشند:

- افزایش نرخ مشارکت نیروی کار در فعالیت‌های اقتصادی تا حد ۴۳ درصد
  - کاهش نرخ بیکاری کل کشور به ۸/۴ درصد
  - کاهش نرخ بیکاری زنان به ۹/۳ درصد
  - کاهش نرخ بیکاری جوانان به ۱۲/۶ درصد
- و آیا معضلات و مشکلات ساختاری بازار نیروی کار در ایران و ویژگی‌های خاص اقتصاد، به عنوان مثال سرعت کند اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سیاست‌های نامطلوب پولی و مالی و بودجه‌ای، حل معضل بیکاری در ایران در کوتاه‌ترین زمان ممکن را در دسترس می‌گذارد؟ شما قضاوت کنید. ■

اثرات تورم و بیکاری بر رفتار اقتصادی و فرهنگی خانوارها در جامعه

## بیکاری، آفت توسعه اجتماعی - فرهنگی

### فشار بر نیروی کار کشور فراوان است.

بالا بودن هزینه‌ها و نابرابری میان آنها و درآمدهای موجود، یکی از دردآورترین معضلات اقتصادی خانوارهای ایرانی است. البته جای شکرش باقی است که نسبت این کسری در سال‌های اخیر کاهش یافته است. یکی از عوامل عمده در افزایش شدید هزینه‌های خانوارها، تورم موجود در جامعه است. این تورم، قدرت خرید درآمدها، به خصوص درآمدهای ثابت را به شدت کاهش می‌دهد. علاوه بر جابه‌جایی بی‌رویه منابع و ثروت در جامعه که خود تبعات فکری و عملی گزافی در جامعه به جای می‌گذارد، یکی از اثرات دیگر و حایز اهمیت تورم، کاهش میزان «مزد واقعی» است. با افزایش تورم قدرت خرید دستمزدها و حقوق‌ها و مزایا کاهش می‌یابد که این امر به نوبه خود باعث کاهش درآمد واقعی خانوارها می‌گردد. مطالعات قبلی نشان می‌دهند که تفاوت میان مزدهای واقعی و اسمی در حوزه کارکنان دولت به شدت افزایش یافته و در طول یک دهه، قدرت خرید دستمزد کارکنان دولت به نصف کاهش یافته است. از سوی دیگر، بار تکفل، مشکل دیگری است که در بازار کار باید به آن اشاره کرد. با توجه به جمعیت فعال، شاغل و بیکار، آشکار است که بازار کار کشور، جوابگوی تأمین احتیاجات مادی و شغلی خانوارها نبوده است، زیرا گرچه در طی سال‌های گذشته جمعیت فعال و شاغل، افزایش یافته‌اند، لیکن به علت رشد سریع‌تر جمعیت فعال نسبت به ایجاد مشاغل جدید، میزان اشتغال‌توانایی جذب و استفاده از کلیه نیروهای فعال را نداشته است. در نتیجه، به تعداد افراد بیکار اضافه گشته است. این پدیده علاوه بر اتلاف منابع و پدیده‌های ذهنی بیکاران، بار سنگین‌تری را نیز بر دوش نان‌آور خانواده تحمیل می‌کند. این پدیده نامبارک، میزان مسؤلیت افراد شاغل جامعه را در برابر افراد غیرشاغل جامعه داده

و افزایش فشار اقتصادی را بر نان‌آور خانواده، به خوبی نشان می‌دهد. به عنوان مثال، در حال حاضر (در سال ۱۳۸۶)، در حدود ۳۲ نفر کار می‌کنند تا ۱۰۰ نفر (خود و ۶۸ نفر دیگر را) «نان بدهند».

### اخلال در بازارهای کار و سرمایه

لذا مشکلات اقتصادی در کشورمان فراوانند. گرچه برخی از مشکلات و شاخص‌ها به طور نسبی در حال بهتر شدن می‌باشند، ولی سرعت بهبود آنها بسیار بطی به نظر می‌رسد. مهتدا وجود این گونه معضلات اقتصادی، مشخصاً دو نوع اخلال در بازارهای کشور به وجود می‌آورد: اخلال در بازار کار و اخلال در بازار سرمایه. طبیعتاً هر دو نوع اخلال، عواقب نامطلوبی بر رفتارهای اقتصادی و فرهنگی خانوارها و بالطبع جامعه بر جای می‌گذارد.

### ● اخلال در بازار کار و عواقب آن

به دنبال عدم تکافوی درآمد و وجود پس‌اندازهای منفی خانوارها و افزایش تعداد نیروی انسانی بیکار، بازار کار به دلایلی که شرح داده می‌شود، مختل خواهد شد. این دلایل عبارتند از:

### الف) کارگر افزایش یافته

نظریه «کارگر افزون» (Worker Hypothesis Added) به این نکته اشاره می‌کند که هنگامی که بیکاری رواج می‌یابد و درآمدهای خانوار، تکافوی تأمین نیازهای آنها را نمی‌کند، سایر افراد خانوار، برای افزایش درآمد خانوار وارد حلقه نیروی کار می‌شوند. حتی بسیاری از آنها در سنین جوانی، آمادگی برای ورود به بازار کار را در خود ایجاد می‌کنند و گاه ناگزیر به صرف نظر کردن از تحصیل می‌شوند.

### ب) افزایش تعداد کارگران مایوس شده

طبق نظریه «کارگر مایوس شده» (Discouraged Worker)